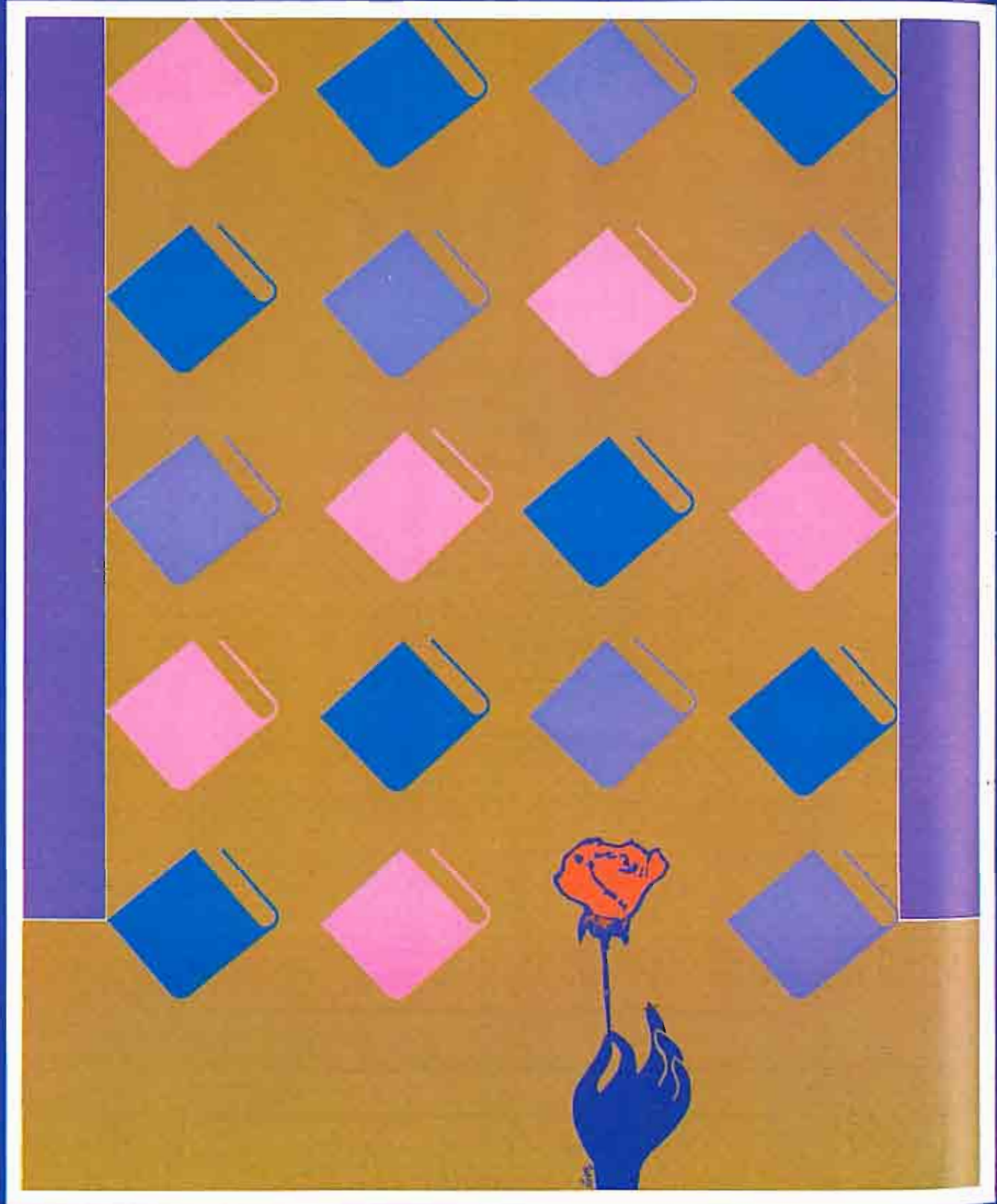


زنگنه

سال اول • اردیبهشت‌ماه ۷۱ • بها ۵۰ تومان

۴





گل تجرین است، غنیمت شماریدش، صحت

سیازیان بارگها بر فضای سبز مطهره تهران



زنان

سال اول شماره ۲ اردیبهشت ماه ۷۱

زنان نشریه‌ای است اجتماعی که یک بار در ماه منتشر می‌شود

گزارش و خبر

۲ نابرابری سستی دو جنس و پیامدهای اجتماعی آن:

۸ خبر:

اندیشه

۱۶ خودپرستیهای مقدس: بنفشه رستگار

حقوق

۲۰ قضاوت زن: مینا یادگار آزادی

در خانه

۲۹ با دست خود برای دوست:

۳۲ ماهی: ترجمه حورا اخلاقی

۳۵ خرافه‌ای به نام اشرافیت: مهندس فرشته بهار

ادبیات

۱۰ زن: طهمورث افتخاری

شعر: ۲۷ و ۵۵

۵۰ کاغذ دیواری زرد: ترجمه زهره زاهدی

۵۶ کنیزو، نه قصه، که شلاق است: پرویز خرسند

علم

۳۷ آشنایی با اصول ژنتیک (کتاب تازه):

۳۸ خواص و کاربرد انواع روغن‌ها: فیروز مددنوعی

۴۴ از یادگیری برای عشق، تا عشق به یادگیری: ترجمه زهره زاهدی

۴۷ یک، دو، سه: ترجمه ژینوس قائمی

هنر

۶۲ صورتها و صورتکها: زهره قائینی

- صاحب امتیاز و مدیرمسئول: شهلا شرکت
- طراح گرافیک: کورش پارساژاد
- طرحهای این شماره: باسم‌الرام
- لیتوگرافی: موج
- چاپ: سازمان ۱۲۸

صندوق پستی ۵۵۶۳ - ۱۵۸۷۵
تلفن: ۸۳۳۵۱۳

License Holder & Editorial Director:
Shahla Sherkat

Zanaan is a Persian-language journal published monthly. Each issue contains articles and reports related to the women's problems.

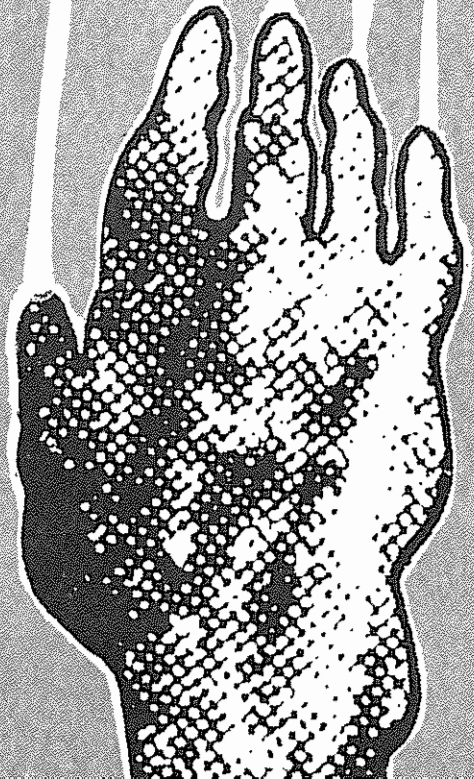
زنان در زمینه فعالیت‌های فرهنگی، هنری، آموزشی و خدماتی آگاهی می‌پذیرد. زنان در ویرایش و کوتاه کردن مطالب آزاد است. مطالب ارسالی بازگردانده نمی‌شود. حقوق چاپ، انتشار و نقل مطالب، طرحها و عکسها برای مجله زنان محفوظ است.

تأمین کرده است.

* وضعیت رقت‌بار زنان

هیلاری ونو سردبیر مجله هفتگی «ویکلی ریویو» پرفروشترین مجله داخلی کنیا می‌نویسد: «هیچ‌یک از شاگردان، نگهبانان، یا معلمهایی که آن شب در مدرسه بودند، در دسترس نیستند. چون مدرسه سن کیزیتو بسته شده است... مطبوعات کنیا جزئیات واقعه را شرح دادند و نمایی از ماهیت جامعه نوین کنیا ارائه کردند. در این گزارشها بسیاری از شهروندان کنیایی ریشه اصلی این خشونت را ناشی از نابرابری خشن و غیرمنصفانه‌ای دانستند که در جامعه میان زن و مرد اعمال می‌شود. این تراژدی، بر تبعیض میان دو جنس که حاکم بر زندگی اجتماعی مردم کنیا

مدرسه شبانه‌روزی مختلط سن کیزیتو - که در مناطق کشت قهوه واقع در کنیای مرکزی قرار دارد - مانند بسیاری مدارس دولتی دیگر کشورهای افریقایی، پرجمعیت، با مدیریتی نالایق و تحت آموزش معلمینی با حقوقهای غیرمکفی اداره می‌شود. در یکی از شبهای ماه ژوئیه سال ۱۹۹۱، ۷۱ دختر نوجوان شاگرد این مدرسه مورد تجاوز همکلاسیهای پسر خود قرار گرفتند و ۱۹ نفر آنها هنگام فرار کشته شدند. ۳۹ نفر از ۳۰۶ دانش‌آموز این مدرسه، بدون ذکر مورد اتهام، در زندان به سر می‌برند. این وحشیگری موجب خشم سیاستمداران، مسئولین آموزش و فرهنگ و دیگر مسئولین در کنیا شده است. کشوری که افتخار می‌کرد شرایط تحصیل را به مراتب بهتر از سایر کشورهای افریقایی برای دانش‌آموزان



نابرابری سنی دو جنس و پیامدهای اجتماعی آن

است، مهر تأیید می‌گذارد. وضعیت زنها و دخترهای ما رقت‌انگیز است. ما آنها را موجودات درجه دو محسوب می‌کنیم، پسرهایمان را طوری بار می‌آوریم که کمترین احترامی برای دخترها قایل نباشند. به حادثه سن کیزیتو نباید بی‌اعتنا بود.»

۱۹ دختر جوان هنگام فرار کشته شدند

«مشکل از آنجا شروع شد که ۲۷۱ دختر دانش‌آموز این مدرسه، که مانند پسرها در رده‌های سنی میان ۱۴ تا ۱۸ سال قرار داشتند، از شرکت در اعتصابات که پسرها تدارک دیده بودند، خودداری کردند... پلیس برو گفته است که پسرها تصمیم گرفتند خشم خود را بر سر دخترها که در سه خوابگاه مجزا سکونت داشتند، خالی کنند... پسرها

سیمهای برق و خطوط ارتباطی تلفن را قطع کردند و با قلوه‌سنگهای بزرگ در خوابگاه را شکستند. به گفته یکی از کارکنان مدرسه، بعضی از پسرها خود را در ملافه پیچیده بودند و چراغ قوه به همراه داشتند... بنا بر اظهارات پلیس هنگام فرار گله وحشت‌زده دختران، ۱۹ نفر آنها به واسطه ماندن زیر دست‌وپا یا خفگی زیر تختخوابهای واژگون شده، کشته شدند. به گفته فرانسیس ماجیرا آپولوس، افسر محلی مأمور رسیدگی به وضع زندانیان، ۷۱ دختر مورد هتک حرمت قرار گرفتند. معلوم نیست که چه تعداد از دانش‌آموزان پسر، در حادثه آن شب شرکت داشتند. دخترها به مدارس دیگری منتقل می‌شوند و سن کیزیتو با ساختمان آجری یک‌طبقه‌اش بسته و در قرنطینه باقی می‌ماند. بسیاری از سیاستمداران عدم رعایت انضباط

و مصرف مواد مخدر را به عنوان مسبب وقوع این حادثه مورد انتقاد قرار دادند. برخی از مسئولین آموزشی معتقد بودند میان سیاستمداران به جای ضابطه، رابطه حکمفرماست و همین باعث انتخاب غلط مدیران مدرسه و در نتیجه به وجود آمدن سهل‌انگاری در مدیریت مدرسه بوده است.

اما کنیاتیامز، روزنامه حزب حاکم در کنیا، در گزارش خود به طرح این نظریه پرداخت که موقعیت نازل زنها در کنیا ریشه اصلی ماجرا بوده است. برخی از متخصصین مسائل نوجوانان موافق با این نظریه‌اند. در جامعه‌ای که زنان در اتوبوس به هم می‌چسبند و کنار هم می‌نشینند تا از جانب مردان مورد تعدی قرار نگیرند، در اجتماعی که زنان تحصیلکرده شبها تنها در خانه می‌مانند تا شوهرانشان با معشوقه خود



به سینما و گردش بروند، طرح چنین مسئله‌ای بدون زمینه نیست. این روزنامه در گزارش مفصلی که از ماجرای سن کیزیتو در صفحه اول به چاپ رسانیده بود، اظهار داشت که حمله به دختران در مدرسه سن کیزیتو امری متداول بوده که از جانب مدیر و کارکنان مدرسه مجاز شمرده می‌شده است. جیمز لیبونی، مدیر مدرسه، به خبرنگار این روزنامه گفت: «در گذشته، پسرها دخترها را می‌ترساندند و به زور از خوابگاه‌هایشان بیرون می‌کشیدند و... آنگاه محترمانه به خوابگاههای خود برمی‌گشتند». جوئیس کیتیرا، معاون مدرسه، هنگام بازدید پرزیدنت دانیل آرپ فوآ از خوابگاه ویران شده مدرسه، به او گفت: «پسرها هرگز قصد نداشتند به دخترها آسیبی برسانند فقط به آنها نیاز داشتند.» (!)

* سیستم مدارس شبانه‌روزی در کنیا

در حدود یک‌سوم از دبیرستانهای کنیا مانند سن کیزیتو مدارس شبانه‌روزی مختلط است با خوابگاههای مجزا برای دختران و پسران. ایجاد مدرسه شبانه‌روزی در زمان استعمار کنیا مرسوم شد. در آن زمان مبلغین مذهبی غربی چنین مدارسی را احداث می‌کردند تا بچه‌ها را از خانه‌های غیرمسیحی دور کنند. پس از اعلام استقلال در سال ۱۹۶۳، دولت کنیا اداره غالب این مدارس را به دست گرفت و از بخش خصوصی هم خواست تا مدارس مشابهی تأسیس کنند. همچنین در صورت کمکهای مالی، به کلیساها اجازه داد ارتباط خود را با این مدارس حفظ کنند. اسقف‌نشین کاتولیک رم در بزو نیز بخشی از سرمایه‌گذاری در مدرسه سن کیزیتو را به عهده گرفت. با درنظرگرفتن کثرت بیش از حد جمعیت - نرخ رشد جمعیت در این کشور، بالاترین نرخ رشد در سطح جهان است - و با درنظرگرفتن تقاضای رو به رشد برای تحصیل دختران، بسیاری از مدارس پسرانه، به مدارس مختلط تبدیل شده است. این مدارس شبانه‌روزی دولتی، برخلاف مدارس گلچین‌شده خصوصی، در وضعیت کاملاً ابتدایی قرار

دارند، گاهی حتی لوله‌کشی آب ندارند...

* نفوذ آموخته‌های مردانه

سن کیزیتو که در سال ۱۹۶۸ به عنوان مدرسه پسرانه تأسیس شده بود، در سال ۱۹۷۵ دختران را هم نامنویسی کرد. اغلب آنها فرزندان کارگران مزارع هستند که از طریق کشاورزی ارتزاق می‌کنند و با جان‌کندن می‌کوشند مبلغ معادل ۳۶۰ دلار شهریه سالانه مدرسه را به اضافه هزینه تهیه یونیفورم و لوازم‌التحریر، بپردازند. این مدرسه که به فاصله یک ساعت تا شهر، در امتداد جاده‌ای خاکی، در شمال شرقی مرو قرار دارد، به خاطر قرارگرفتن در یک مایل‌ونیمی شهر و در اختیارداشتن برق و تلفن و یک بیمارستان نزدیک، از بسیاری از مدارس کنیا بهتر است. آقای آپولوس می‌گوید: «در مراسم ختنه‌سوران» - که معمولاً در سنین میان ۱۱ تا ۱۷ سالگی در مورد پسرها انجام می‌شود - در تیگاینا از قبیله بزو که اغلب پسرهای این مدرسه متعلق به همان طایفه‌اند، حقانیت سلطه جنس مرد به او تفویض می‌شود. این سنی است که در آن پسر از کودکی درآمده، وارد مرحله بزرگسالی می‌شود. معنی‌اش این است که حالا می‌تواند با یک زن حرف بزند، رابطه برقرار کند و او را کتک بزند». آقای پولوس که دارای فوق‌لیسانس جرم‌شناسی از دانشگاه کاردیف انگلستان است، چنین ادامه می‌دهد: «به محض انجام ختنه، پسر حق دارد با دخترها رابطه برقرار کند. همزمان دخترها را طوری تربیت می‌کنند که هرگز به خود اجازه ندهند به پسر نه بگویند، حتی اگر دلشان بخواهد. این حقوق مردانه تفویض شده به پسران، در آن شب شوم در سن کیزیتو، به افراطی‌ترین شکل خود متبلور شد...» ۷۱ دختری که در بیمارستان بستری بودند، پس از مرخصی از بیمارستان به خبرنگاران گفتند:

«این، بخشی از زندگی روزانه ما در مدرسه است. پسرها همیشه به خوابگاه دخترها می‌آیند، آنها را به زور از ساختمان بیرون می‌برند و ما به عنوان یک دختر باید تحمل کنیم.»

آقای پولوس گفتند: «اگر در این ماجرا عده‌ای از دخترها نمرده بودند، ما هرگز مطلع نمی‌شدیم!»

همچنین گزارش شده است در مدرسه دیگری، در منطقه مرو، دانش‌آموزان پسر طی تظاهرات وحشیانه‌ای بر علیه مدیریت مدرسه، همکلاسیهای دختر خود را مورد حمله قرار دادند. در حالی که یک روی حادثه سن کیزیتو در حول و حوش محور مشکلات زنان دور می‌زند، کنیاییها وجه دیگری را نیز مشاهده می‌کنند... جامعه به پسرهای این مدرسه آموخته است که کافی است چیزی را بخواهند و اگر بخواهند، کسی حق ندارد مخالفت کند. در هیچ گزارشی مشخص نشده است که چند نفر از این پسرها در حادثه شرکت داشته‌اند...

پرزیدنت موآ کمیته‌ای متشکل از مسئولین آموزشی و رهبران کلیساها را موظف کرد تا در مورد حملات اخیر در دبیرستانهای کنیا، که در برخی موارد منجر به آتش‌سوزی مدرسه شده بود، تحقیقاتی انجام دهند. مددکاران اجتماعی اظهار می‌کنند تاکنون هیچ تلاشی برای ریشه‌یابی اساسی چنین پدیده‌هایی در مدارس انجام نشده است. همچنین دولت هیچ اقدامی در زمینه آموزش اخلاقی پسران و ایجاد رابطه انسانی‌تر میان دختران و پسران انجام نداده است...

* اظهارات سازمانهای زنان در کنیا

رهبران زنان طی فراخوانی کلیه شهروندان کنیایی از آنها خواستند که یکبار برای همیشه علت‌های اصلی سوءاستفاده از زنها و کودکان مؤنث در کنیا را ریشه‌یابی کنند. سازمان «ماندلو یا واناواک» و «سازمان تجاری و حرفه‌ای زنان کنیا» طی بیانیه مشترکی از دولت خواستند با تشکیل دادگاههای خانواده در تمام مناطق، به خشونت‌های محلی بر علیه زنان خاتمه دهند. در این بیانیه آمده است: «حادثه غم‌انگیز اخیر در مدرسه سن کیزیتو که طی آن ۱۹ دختر جوان کشته و بیش از ۷۰ نفر مورد هتک حرمت قرار گرفتند؛ بیش از پیش خشم زنان را برانگیخته است... دانش‌آموزان پسر



هتک حرمت، تنها یک جرم نیست. عملی است که فرد را از نظر روانی و عاطفی به کلی نابود می‌کند و قربانی، مادام‌العمر از جراحات ذهنی و روانی آن رنج خواهد برد.

* بیانیه سازمان ملی زنان امریکا در مراسم یادبود بین‌المللی برای قربانیان خشونت جنسی در کنیا - ۱۳ اوت ۱۹۹۱

«امروز سازمان ملی زنان، اتحاد و همبستگی خود را با خواهران خود در کنیا و در تمام جهان بر علیه واقعه خشونت‌بار و هولناک مدرسه شبانه‌روزی سن کیزیتو اعلام می‌کند. ما، در اینجا جمع شدیم تا به یاد زندگیهای نورسی باشیم که طی تلاشی مرگبار به شکل غم‌انگیزی کوتاه شد. قلبهای ما همچنین برای قربانیان واقعه ۱۴ ژوئیه می‌تپد، واقعه‌ای که طبق گفته پریزیدنت موآ، قبیح‌ترین حادثه‌ای است که تاکنون با آن مواجه شده است. بیش از ۱۰۰ دختری که وحشیانه مورد حمله قرار گرفتند، باید بدانند که ما خود را در وحشت و اندوه آنان شریک می‌دانیم و صدای دردکشیده آنها را به گوش جهانیان خواهیم رساند.

تراژدی سن کیزیتو جهان را در موجی از حیرت فرو برد. این روزها مراسم یادبود دختران این مدرسه در دورترین کشورها از جمله برزیل، استرالیا، کانادا، ایرلند، هند، و سوئیس، برگزار می‌شود. همین شبی که ما، در اینجا گرد هم آمده‌ایم، خواهران ما در نایروبی، تحت سازماندهی سازمان ملی ماندلو یا واناواک، مشغول برگزاری شب احیا به یاد قربانیان این حادثه هستند. جای آن دارد خشونت گسترده‌ای که بر علیه زنان اعمال می‌شود، مورد توجه در خور، قرار گیرد.

نابرابری میان دو جنس جوی را ایجاد می‌کند که در آن تبعیض، آزار، و خشونت که زنها هر روز با آن مواجهند، عذر نهاده می‌شود، نادیده انگاشته می‌شود و اصلاً مرئی



عمومی با آن مواجه هستند. به این جهت تعجبی ندارد که دانش‌آموزان پسر سن کیزیتو بیشتر از جانب جامعه کنیا برای عملی که مرتکب شدند، قهر تأیید داشتند. * با تأسف عمیق، شاهد آن هستیم که تراژدی سن کیزیتو در نقاط دیگر کشور نیز موج تازه‌ای از خشونت نسبت به دختران را دامن زده است.

* ما خواهان انجام اقدامات زیر هستیم :

● زنان مضرانه در مقابل هرگونه خشونت و سوء استفاده علیه خود و فرزندان‌شان ایستادگی کنند.

● از معاهدین جامعه خود می‌خواهیم ریشه سوء استفاده و خشونت بر علیه زنان و کودکان را مورد بررسی جدی قرار دهند.

● از جامعه بزرگسال کنیایی اعم از پدر و مادرها، رهبران مذهبی، رهبران سیاسی و دیگران می‌خواهیم افکار و رفتار خود را مورد تجدیدنظر و تحلیل قرار دهند و دریابند که شاید هریک از ایشان در عملکرد جوانان کنیا، سهم بوده‌اند.

سازمان «کانوماندلو یا واناواک» - بزرگترین سازمان ملی زنان و بخشی از تنها حزب سیاسی کنیا - درخواستهای فوق را به منظور پیشگیری از هر حادثه آتی مشابه به حادثه سن کیزیتو، مطرح کرده است.

این مدرسه توسط جامعه‌ای که برای زنان و دختران کمترین اعتبار را قایل است، موجه و معذور شمرده شده بودند.

این بیانیه که از سوی مدیر سازمان تجاری و حرفه‌ای زنان، خانم پت موگو، و مدیرعامل کانوماندلو، خانم ویلکیستا آنساندو، به امضا رسید، از زنها خواسته است که با شرکت آگاهانه در انتخابات آینده تنها به نمایندگانی رأی بدهند که نسبت به مسائل زنان و کودکان با مسئولیت و حساسیت برخورد کنند. در بیانیه آمده است:

ما زنان متعهد کنیا، به عنوان نمایندگان آحاد زنان و سازمانهای زنان گردآمیدیم تا در خصوص حرکت حاضر در جهت سوء استفاده و اعمال خشونت بر علیه زنان و کودکان، به مذاکره بنشینیم...

● ما رفتار شاگردان و کارکنان مدرسه سن کیزیتو و دیگر کسانی را که در انجام اعمال خشونت‌آمیز بر علیه زنان و دختران مقصرند، به شدت محکوم می‌کنیم.

● هتک حرمت، تنها یک جرم نیست. عملی است که فرد را از نظر روانی و عاطفی به کلی نابود می‌کند و قربانی، مادام‌العمر از جراحات ذهنی و روانی آن رنج خواهد برد.

● واقعه سن کیزیتو آئینه تمام‌نمایی است از شکل خشونت‌های که زنان و دختران کنیا همه‌جا، در خانه، در محل کار، و در اماکن

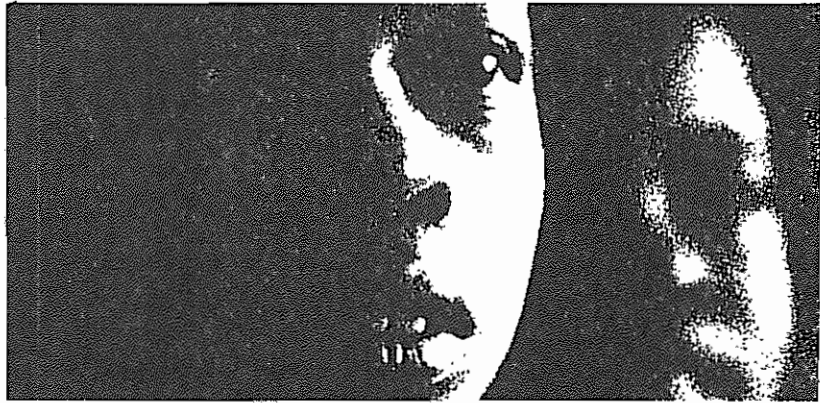
کنند.»

* وضعیت زنان در کنیا

در سال ۱۹۸۵ زنان سراسر جهان برای شرکت در کنفرانس میان دهه‌ای ۱۹۸۵ در خصوص مسائل زنان، به کنیا سفر کردند و از مشاهده وضع زنان در کنیا تحت تأثیر قرار گرفتند. در آنها این باور را ایجاد کردند که زنان کنیا از هر جهت تأمین شده‌اند و از آنها به خاطر همکاری در توسعه کنیا، قدردانی می‌شود. هر چند زنان کنیا با متقاعد ساختن مدیران مرد کنفرانس اجازه یافتند مهمان‌داری کنفرانس را به عهده بگیرند، بی‌شک کنفرانس به نتایج دلخواه مردان انجامید. در مدت کوتاهی پس از برگزاری کنفرانس حزب کانو، تنها حزب سیاسی مجاز در کنیا، اداره «ماندلو یا واناواک»، بزرگترین سازمان زنان کنیا را که به نقاط روستایی هم دسترسی دارد به عهده گرفت.

مردان مصمم‌تر شدند که برای ابراز قدرت، کنترل امور را بیش از پیش در دست بگیرند. در مورد زنان هیچ چیز تغییر نکرد، بلکه برعکس، وضع بدتر شد. تعداد زنان شاغل به مشاغل کلیدی از هر زمان دیگر کمتر شده است و زنانی که از خود نظریه‌ای دارند، مورد آزار قرار می‌گیرند و از آنها خواسته می‌شود که دهانشان را ببندند.

سازمان حقوق بشر هر ساله گزارشهایی در مورد وضع زنان هر کشور، در زمینه خشونت، تجاوز، و ختنه سنتی زنان، منتشر می‌کند. در گزارش مربوط به سال ۱۹۹۰ در خصوص زنان کنیا چنین آمده است: «از جهت قانونی تبعیضی علیه زنان اعمال نمی‌شود، اما فرهنگ و نگرش سنتی، از دورانهای گذشته، برای زنان نقشهایی کم‌اهمیت و درجه دو در نظر گرفته است... نقش سازنده زنان تنها به مناطق کشاورزی، که در آن نزدیک به ۷۵ درصد نیروی کار را تشکیل می‌دهند، محدود می‌شود... تعداد دختران و پسران دانش‌آموز در مدارس ابتدایی تقریباً مساوی است، اما در سطوح بالاتر تحصیلی تعداد پسران تقریباً دوبرابر



کیزیو و یا کشتار در مونترآل که طی آن یک دانشجوی پسر، ۱۴ نفر از دختران همکلاسی خود را به قتل رساند، آنچنان درنده‌صفتی حیوانی را به یادمان می‌آورد که نمی‌توانیم نسبت به هولناک بودن آن بی‌تفاوت بمانیم. اندوه ما به عمق خشم و تأسف ماست. خاطره این زنان باید زنده بماند تا روزی به خشونت مردان پایان دهد.»

لازم به یادآوری است که این مراسم در مقابل سفارت کنیا در واشنگتن برگزار شد و سفیر کنیا در امریکا نیز در این زمینه سخنانی ایراد کرد.

* برگزاری شب احیا در کانادا

«در همبستگی با خواهرانمان در کنیا، در روز پنجشنبه ۲۵ ژوئیه ۹۱، در ساعت چهار و ۳۰ دقیقه بعد از ظهر، مراسم احیایی در مقابل کمیسیون عالی کنیا در اتاوا کانادا برگزار کردیم...»

مرکز بین‌المللی MATCH، که بر علیه خشونت‌های جمعی در قبال زنان فعالیت می‌کند، با همکاری انجمن مشورتی کانادا در خصوص وضع زنان، و گروهی از زنان منطقه مصمم شدند حجاب سکوتی را که جو زن‌کشی را احاطه کرده است، از میان بردارند: «بیش از این نمی‌توانیم سکوت در قبال قتل زنان را، به جرم زنبودن تحمل کنیم. از سازمانهای حقوق بشر می‌خواهیم که در سطح بین‌المللی به این مسئله رسیدگی

خشونت، تحمیلی جهانی و توجیه‌ناپذیر بر گرده زنان است که از مرز کشورها، نژادها، ادیان، فرهنگها و طبقات اجتماعی فراتر می‌رود.

نیست. ظرف همین ۳۰ دقیقه‌ای که ما، در اینجا به برگزاری مراسم یادبود می‌پردازیم، تنها در ایالات متحده به طور متوسط به پنج تا ۱۰ زن تجاوز می‌شود، و ۲۴۰ زن مورد ضرب و شتم قرار می‌گیرند. ما، در اینجا جمع شده‌ایم تا بر خشونت برخی از مردان شهادت بدهیم و خواهان خاتمه آن باشیم. خشونت مردان بر علیه زنان مقام برتر آنها را در سطح جهان تحکیم می‌کند و بر آن تأثیر می‌گذارد. این تحمیل جهانی و توجیه‌ناپذیر بر گرده زنان از مرز کشورها، نژادها، ادیان، فرهنگها و طبقات اجتماعی، فراتر می‌رود. هیلاری ونو، سردبیر یکی از پرتیراژترین مجلات کنیا، در اظهارات خود خواستار برابری زنان در تمام کشورهاست: «ما با آنها مانند موجودی درجه دو رفتار می‌کنیم که فقط به درد ارضای تمایلات و انجام کارهای توانفرسا می‌خورند. ما پسرهایمان را طوری بار می‌آوریم که کمترین احترامی برای دخترها قابل نباشند... تراژدی‌هایی مانند سن



دختران است.

در گزارش مربوط به سال ۱۹۸۹ از قول پرزیدنت موآ آمده است: «سنتهای افریقایی مخصوص زنان است که به مردانشان احترام بگذارند.» این جمله در پاسخ به انتقادات گروه «زنان حافظ محیط زیست»، که به وسیله یک زن اداره می‌شود، مطرح شده بود. گروه حافظ محیط زیست همان «جنبش کمربند سبز کنیا» است که توسط پروفیسور وانگاری ماتایی اداره می‌شود. پروفیسور ماتایی نسبت به تخریب پارک «آهورو» - که فضای باز و سرسبزی است در نزدیک مرکز شهر نایروبی و توسط انگلیسیها طراحی و ایجاد شده -، اعتراض کرده است. پرزیدنت موآ در نظر داشت مجموعه‌ای آسمانخراش ایجاد کند که در کنارش مجسمه‌ای بزرگتر از اندازه طبیعی، از خودش ساخته شود. این مجموعه به همراه پارکینگهای لازم و محوطه استقرار مجسمه، تمامی پارک سبز را دربر می‌گرفت. روزنامه‌های کنیا به نقل از اظهارات پرزیدنت موآ نوشتند: «هیچ زنی در کنیا حق انتقاد ندارد...» و روز بعد پلیس «جنبش کمربند سبز» را از عمارتی که سالها در اختیار داشت، بیرون کرد. این نشان می‌دهد که رئیس‌جمهوری کنیا را می‌توان به عنوان سردمدار انکار زنان حتی در حق ابراز عقیده در یکی از مهمترین مسائل کنیا، یعنی فضای سبز، مطرح کرد. بدیهی است در کشوری که رئیس‌جمهورش برای زنان حتی حق حرف زدن قایل نباشد، مردان به سادگی از زنان استفاده سوه می‌برند و پسرهای جوان هم از آن پیروی می‌کنند.

■ نمایندگان مرد پارلمان کنیا خواستار قانونی شدن بدرفتاری با همسر (زن) شدند

همین چند سال پیش بود که مطبوعات کنیا و کشورهای دیگر بحثهایی را که حین مذاکرات پارلمانی بر سر قانون جدید خانواده، در پارلمان کنیا درگرفته بود، منعکس کردند. نمایندگان مرد پارلمان درخواست کردند که بدرفتاری با همسر به عنوان جزئی از: «حق هر مرد کنیایی - طبق

سنتهای افریقایی» در قانون جدید خانواده ملحوظ شود، تا به این وسیله «زنان تربیت شوند» و «به مردان احترام بگذارند».

طی مدتی که مطبوعات بین‌المللی، این مذاکرات پارلمانی را مورد استهزا قرار می‌دادند، حتی یک نفر از نمایندگان یا رهبران سیاسی کشور - رئیس‌جمهور که جای خود دارد - که ادعای برابری حقوق زن و مرد را دارد، این بحثها را تکذیب نکرد.

البته پرزیدنت موآ به خاطر غیرقانونی کردن ختنه دختران، اعتبار کسب کرد، اما برای ممنوعیت واقعی انجام این آیین، هیچ کاری نکرد. اگر قصد منع قانونی این عمل، جدی بود، طرح آن در برنامه‌های آموزشی مدارس می‌توانست از اولین قدمها باشد، که هرگز برداشته نشد. در واقع ختنه دختران همچنان و حتی بیش از گذشته انجام می‌شود، با این تفاوت که امروزه مردم دیگر دختران خردسال خود را که به دلیل انجام این آیین دچار صدمه می‌شوند، به بیمارستان نمی‌برند و رهایشان می‌کنند تا از شدت جراحت بمیرند.

با این حال همین غیرقانونی کردن عمل از سوی پرزیدنت موآ، در جایی که همکار سلف او، پرزیدنت کنیاتا، تا پایان عمر از انجام این مراسم حمایت کرد، قدمی پیشرفته محسوب می‌شود. پرزیدنت کنیاتا در کتاب خود، «نگرشی بر کنیا» که هنوز هم در تمام کتابفروشیها به فروش می‌رسد، نوشته بود: «هیچ مرد کنیایی حاضر نیست با زنی که ختنه نشده، ازدواج کند.»

دفاع مادام‌العمر پرزیدنت کنیاتا به عنوان یک مقام مهم افریقایی از آیین ختنه دختران، نتایج هولناکی را نه تنها برای دختران و زنان کنیا، بلکه دختران سراسر افریقا و تا آنجا که صدای او می‌رسید، به ارمغان آورد.

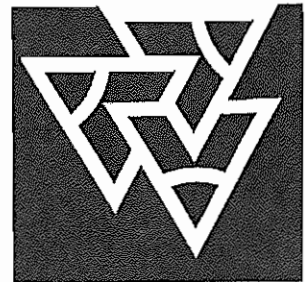
کنیاتا را باید مسبب نابودی زندگی و سلامت میلیونها دختر خردسال و زن در سراسر افریقا، و همچنین کنیای امروزی دانست. حتی امروز هم در کنیا روزانه هزاران کودک خردسال دختر را ختنه می‌کنند. واقعیت این است که در ناحیه مرو

این آیین، علی‌رغم اطلاع مستقیم مدارس کاتولیکی و اسقف‌نشین مرو، در سطح وسیع انجام می‌شود و ایشان کمترین اعتراض و اقدام مؤثری نمی‌کنند.

این روزها، کنیا محل امنی برای زندگی زنان نیست. بر طبق گزارشات اخیر مطبوعات - مربوط به قتل تعدادی زن توریست - نایروبی نیز به سرعت تبدیل به محلی ناامن برای جهانگردان می‌شود. از زنان سایر کشورها خواسته می‌شود تا زمانی که دولت کنیا در قبال تجاوزات تبهکارانه نسبت به زنان و دختران واکنش اساسی نشان ندهد، از سفر به آن کشور خودداری کنند. زنان به نشانه همبستگی با زنان کنیا، باید این کشور را تحریم کنند و تا زمانی که خواستهای زنان کنیا برآورده نشده است، تحریم را نشکنند. پرزیدنت موآ نه تنها باید دستور مجازات پسران مجرم در حادثه سن کیزیو را صادر کند، بلکه باید مردان کنیا را نیز آموزش دهد تا حقوق انسانی و اجتماعی زنان را محترم بشمارند و این آموزش باید از آنجا شروع شود که پارلمان و دولت کنیا رسماً اعلام کنند که هیچ مردی حق ضرب و شتم و تعرض به زن خود را نداشته و کلیه مردانی که اقدام به خشونت بر علیه زنان می‌کنند، فوراً مجازات خواهند شد و تا آن زمان تحریم علیه مسافرت به کنیا از جانب زنان ادامه خواهد داشت. این عمل می‌تواند مفیدترین اقدام زنان در این راه باشد زیرا اقتصاد کنیا بیش از هر کشور افریقایی دیگر مبتنی بر صنعت توریسم است. زنان کشورهای جهان، همچنین باید از دولتهای خود بخواهند تا رسماً از کمیسیون حقوق بشر سازمان ملل درخواست رسیدگی جدی به این موارد از نقض حقوق بشر، را ارائه کنند. بدیهی است که حمله به دختران مدرسه سن کیزیو از سوی مسئولین مدارس شبانه‌روزی دولتی کنیا مجاز شمرده شده، لذا رئیس‌جمهور و رهبران سیاسی این کشور در مسئولیت این امر سهیم‌اند.



برگزاری سومین نمایشگاه دوسالانه آثار طراحان گرافیک ایران

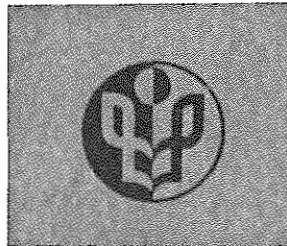


سومین نمایشگاه دوسالانه آثار طراحان گرافیک ایران در روز بیستم اردیبهشت‌ماه ۷۱، با ۵۵۰ اثر از کارهای ۲۳۰ تن از هنرمندان ایرانی در موزه هنرهای معاصر تهران افتتاح شد.

این نمایشگاه از سوی مرکز هنرهای تجسمی وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی برگزار می‌شود و در سازماندهی آن از همکاری گسترده اساتید بهره گرفته شده است. تعداد شرکت‌کنندگان در این بی‌ینال ۵۳۰ نفر - تعدادی دو برابر دوره قبل - بوده است که مجموعاً دو هزار و ۸۰۰ اثر هنری ارسالی، توسط کمیته انتخاب بررسی شده است - به منظور رعایت استانداردهای تعیین شده و محدود بودن فضای نمایشگاه، تعداد ۵۵۰ اثر از ۲۳۰ طراح گرافیک به مرحله قضاوت راه یافته‌اند. در میان شرکت‌کنندگان، نام ۶۴ هنرمند زن به چشم می‌خورد.

دبیرخانه سومین نمایشگاه طراحان گرافیک اعلام کرده است که تلاش می‌کند تا پایان نمایشگاه کاتالوگ جامعی از میان آثار راه‌یافته به نمایشگاه منتشر و در اختیار علاقه‌مندان قرار دهد.

پنجمین نمایشگاه بین‌المللی کتاب، با حضور ناشر زن و نشریه متعلق به زنان برگزار شد



پنجمین نمایشگاه بین‌المللی کتاب، ۱۵ اردیبهشت‌ماه سال جاری در محل دائمی نمایشگاه‌های بین‌المللی به مدت ده روز برگزار شد.

در این نمایشگاه که به منظور ایجاد ارتباط بین ناشران کشورهای مختلف، ایجاد زمینه برای آشنایی محققان، اندیشمندان، دانشجویان و اساتید، با آخرین دستاوردهای علمی دنیا و ایجاد انگیزه کتاب‌خوانی در مردم تشکیل شده بود، ۴۳۰ ناشر داخلی با ۱۷ هزار و ۶۰۰ عنوان کتاب، ۶۷ موسسه مطبوعاتی با ۱۳۰ نشریه، ۵۶۵ ناشر خارجی از ۲۷ کشور جهان با چهار هزار و ۷۰۰ عنوان کتاب و ۹۰۰ عنوان نشریه علمی شرکت داشتند. لازم به ذکر است، از مجموع مؤسسات مطبوعاتی و انتشاراتی شرکت‌کننده داخلی، زنان حدود هشت موسسه انتشاراتی و سه موسسه مطبوعاتی را به شرح زیر به خود اختصاص داده بودند:

نشر تاریخ ایران: دکتر منصوره اتحادیه، شب‌ویز: دکتر فریده خلعتیری، روشنگران: شهلا لاهیجی، نوآوران: ملک سیماملک، دنیای

مادر: شکوفه نورمحمدی، ستاره: آفاق اسفندیاری، دنیای شکوفه: خانم محمدی، شرکت سحر: خانم یوزدمهری، نشریه پیام هاجر: اعظم علایی طالقانی، ماهنامه جوالدوز: زهره وفایی و ماهنامه زنان: شهلا شرکت.

ویژگیهای پنجمین نمایشگاه بین‌المللی کتاب

حضور کشورهای تازه استقلال‌یافته آسیای میانه و قفقاز یعنی: ازبکستان، تاجیکستان، ترکمنستان، قزاقستان، قرقیزستان و آذربایجان به همراه آخرین دستاوردهای فرهنگی کشورشان، برقراری یک سرویس کامپیوتری به منظور اطلاع‌رسانی سریع به بازدیدکنندگان از سوی شرکت ایزایران، برقراری سیستم اشتراک کامپیوتری در بخش ناشران خارجی، وجود سقف ارزی برای خرید کتابهای خارجی و ایجاد سالن ویژه برای سرگرمیهای کودکان و نوجوانان، از جمله ویژگیهای پنجمین نمایشگاه بین‌المللی کتاب در سال ۷۱ محسوب می‌شد.

در خصوص کیفیت و نحوه برگزاری نمایشگاه می‌توان از دید شرکت‌کنندگان داخلی و خارجی که سالهای گذشته نیز در نمایشگاه حضور داشتند، گفت که پنجمین نمایشگاه کتاب نسبت به سالهای گذشته از نظم و انضباط بیشتری برخوردار بود، غرفه‌ها کیفیت بهتری داشتند، و بازدیدکنندگان در مقایسه با سالهای گذشته با آگاهی بیشتری به نمایشگاه آمده بودند، اما عدم امکانات رفاهی مناسب غرفه‌داران، از جمله هوا و نور مناسب داخل

غرفه‌ها، نبودن غذا و دستشویی همچنان مثل سالهای گذشته با صورت مشکل وجود داشت. در کنار این مسایل عدم تناسب ساختمان کنونی برای برگزاری نمایشگاه کتاب، سیستم عدم فروش مستقیم و تأخیر در توزیع و تحویل کتاب در بین سفارش‌دهندگان سالهای پیش از جمله مسایلی بود که توسط بازدیدکنندگان خارجی مطرح شد.

بازدیدکنندگان از نمایشگاه نیز مسائل دیگری را از جمله بهای سنگین کتابها و مواد خوراکی عرضه شده توسط بوفه‌های مستقر در نمایشگاه، عدم وجود وسایل نقلیه مناسب برای جابجایی مردم، ویژه برگزاری ده‌روزه نمایشگاه، عدم تجهیز و بهداشت دستشوییها مطرح می‌کردند.

حضور زنان در پنجمین نمایشگاه بین‌المللی کتاب

در پنجمین نمایشگاه بین‌المللی کتاب شاهد حضور و فعالیتهای فرهنگی زنان در قالب ۱۱ مؤسسه انتشاراتی و مطبوعاتی در زمینه‌های مختلف علوم، ادبیات، تاریخ، زنان و کودکان بودیم.

شب‌ویز با هشت سال سابقه و انتشار ۶۰ عنوان کتاب، نشر تاریخ ایران با ۱۰ سال سابقه و انتشار ۵۰ عنوان کتاب، روشنگران با هفت سال سابقه و انتشار ۵۲ عنوان کتاب، نوآوران با چهار سال سابقه و انتشار ۱۴ عنوان کتاب ویژه کودکان از سه سال تا ۱۵ سال، دنیای مادر با دو سال و نیم سابقه کار و انتشار ۱۰ عنوان کتاب، عرضه‌کننده



خدمات ارزنده‌ای در زمینه فرهنگی طی سالهای اخیر محسوب می‌شوند. در مورد نحوه برخورد مسئولین و مردم نسبت به ناشرین زن، در مواردی رضایت و ناراضی ناشران زن تماماً دیده می‌شد. اغلب آنان معتقدند به رسمیت نشناختن ناشر زن از سوی سازمانها و وزارتخانه‌ها در کنار مسائل کلی نشر از قبیل افزایش بهای کاغذ، هزینه‌های چاپ، لیتوگرافی و... مشکلات زیادی را برای آنها به وجود آورده است. در این زمینه که آیا زمینه فعالیت حرفه‌ای نسبت به سالهای گذشته بهتر بوده است یا خیر؟ در بین ناشران اتفاق نظر نبود. برخی معتقد بودند مشکلات نسبت به سالهای گذشته کمتر و تعدیل یافته‌تر بوده است و برخی دیگر خلاف این نظر را ابراز می‌کردند و تغییر چندان را احساس نکرده بودند، اما در مجموع می‌توان گفت همگی آنها نسبت به حضور خود در نمایشگاه از رضامندی و دید مثبتی برخوردار بودند و امید داشتند در سالهای آینده بتوانند با کیفیت بهتری حضور داشته باشند. و این امر میسر نمی‌شود مگر با هماهنگی کلیه نیروهای درگیر در برگزاری نمایشگاه مخصوصاً روابط عمومی که در این نمایشگاه از فعالیت چشمگیری برخوردار نبود. روابط عمومی می‌تواند به عنوان عنصر و هسته اصلی ایجاد ارتباط درون‌سازمانی نمایشگاه را در رسیدن به هدف اصلی خود یعنی ایجاد ارتباط ناشرین مختلف یاری بخشد و غرفه‌های مستقر در نمایشگاه را از حالت شهرهای منزوی و بی‌ارتباط با هم خارج سازد.

استاد علی‌اصغر پتگر درگذشت



استاد علی‌اصغر پتگر، روز پنجشنبه ۱۷ اردیبهشت ماه سال جاری در سن ۷۹ سالگی بر اثر حمله قلبی درگذشت.

استاد پتگر که در تبریز چشم به جهان گشوده بود، در دوران طفولیت به تهران آمد و به فراگیری هنر نقاشی زیر نظر استاد ارژنگی و حیدریان پرداخت.

علی‌اصغر پتگر به همراه برادرش استاد جعفر پتگر از اولین پایه‌گذاران کلاسهای آزاد نقاشی برای دختران و زنان کشور بود و تا آخرین روزهای حیات نیز، در خانه مسکونی خویش به امر آموزش و تعلیم اهتمام داشت. استاد، علاوه بر هنر نقاشی، دارای قریحه شعر و غزل‌سرایی نیز بود و از ایشان علاوه بر تابلوهای زیبا و ارزشمند مجموعه شعری به نام رنگین‌کمان به یادگار مانده است.

زنان دارای قدرت التیامبخشی هستند

بهبود بیماران قلبی جراحی‌شده‌ای که همسران (زنان) آنها به طور دایم در بیمارستان به عیادتشان می‌روند، بسیار سریعتر و بیشتر از بیماران مردی صورت می‌گیرد که یا متأهل نیستند و یا همسرانشان کمتر به عیادتشان

می‌روند.

دکتر جیمز کولیک و دکتر هیک ماهر از بخش روانشناسی دانشگاه کالیفرنیا، سن دیگو، طی تحقیقات اخیرشان در مورد بیماران قلبی مرد که تحت عمل جراحی قلب قرار گرفته‌اند، به این نتیجه رسیدند که بیماران که همسرانشان حداقل یک‌سوم روزهای اقامت در بیمارستان را به عیادتشان آمده‌اند، کمتر از بیماران دیگر نیاز به قرصهای مسکن داشته‌اند، زودتر از بخش مراقبت‌های ویژه مرخص شدند، و بیشتر از مردانی که عیادت کمتری از آنها شد، بیمارستان را ترک کردند. ظاهراً کلید اصلی این است: باید در بیمارستان بمانند، در حالی که نمی‌خواهند بمانند. برخی از همسران به دلیل دوری راه یا کسالت و بیماری نمی‌توانستند به آن تعداد دفعات که مایل بودند، شوهرانشان را عیادت کنند. پیشرفت بهبودی این گروه از شوهران، کمتر از آنها که همسرانشان به دفعات دلخواه عیادتشان کردند، بود.

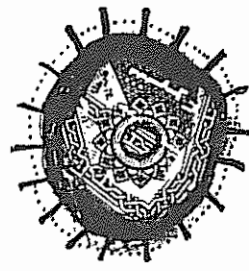
جالب این‌جاست که التیام بیمار آن اندازه که به تعداد دفعات عیادت همسر بستگی داشت، به حسن روابط میان زوجین مربوط نبود! علاوه بر این، بیمار در حول و حوش زمان جراحی و دوران نقاهت، بیشترین اعتبار را برای ازدواجش قایل بود. ۷۱ درصد آنها ازدواج خود را «عالی» ارزیابی می‌کردند، بقیه آن را «خوب» یا «مناسب» می‌دانستند. به عقیده محققین چنین بیماران قلبی با حداقل قلمدادکردن مشکلات زناشوییشان، ذهن خود را روی کمکی که زناشویی می‌تواند به خلاصیشان از مهلکه بیماری کند، متمرکز کردند.

ایمان، شفابخش است

داشتن ایمان می‌تواند بیمار را در درمان فشار خون یاری دهد. دکتر جفری لوین از دانشکده پزشکی ویرجینیای شرقی و دکتر هارولد واندرپول از دانشکده پزشکی دانشگاه تگزاس، ضمن تحقیقات خود به ارتباط میان مذهب و فشار خون، برخوردند. این تحقیقات نشان می‌داد، کسانی که اعتقادات شدید مذهبی دارند، از جمله کشیشان و راهبان هریک از مذاهب، نسبت به افراد غیرمذهبی، با درصد کمتری به بیماری فشارخون مبتلا می‌شوند.

به عقیده محققین، این تفاوت ابتلا، بخشی مربوط به عواملی از قبیل وراثت، نوع زندگی، رژیم غذایی، ورزش و مصرف دخانیات است. اما توضیحات روانشناختی نیز وجود دارد: داشتن اعتقادات مذهبی، نوعی احساس تعلق و امنیت اجتماعی به فرد می‌دهد. برخی از آیینهای مذهبی می‌تواند به عنوان «بازدارنده ثانوی روانی» یا «مایه تسلی روانی» عمل کند. بنابر نظریه محققین، این آیینها در برخی موارد موجب پاکسازی روان و تخلیه تشنجات درونی می‌شوند.

البته این عملکرد شامل حال همه ایمان‌آوردگان نیست. به نظر دکتر لوین و دکتر واندرپول، هرچند اعتقادات مذهبی می‌تواند در شخص آرامش و اعتماد به نفس ایجاد کند، در برخی از افراد موجب پیدایش عذاب وجدان، افسردگی، و عدم اعتماد به نفس می‌شود. این تفاوت نه در فلسفه مذاهب مختلف، بلکه در این نکته است که آیا دلیل سرسپردگی فرد به مذهب تعهد و ترس است، یا میل باطنی.



روی پشت بام بادبادک بازی می کرد. مدام به پشت سرش نگاه می کرد تا مثل برادرش اکبر که ۲۰ سال پیش از بالای پشت بام افتاد و مغزش متلاشی شد، بلایی سرش نیاید. باد از روبه رو می آمد، ولی بادبادک در خلاف جهت باد حرکت می کرد.

- دیدی اکبر؟ تو می گفتی بادبادک در جهت باد پرواز می کند، ولی این طور نیست.

زیر پایش پشت بام، مدام کوچک و کوچکتر می شد. دیگر نمی توانست به راحتی حرکت کند. مشغول جمع کردن نخ بادبادک شد. هرچه بیشتر می پیچید، نخ کلفت و کلفت تر می شد تا جایی که به اندازه طناب رختها شد.

بادبادک، شبیه بادبادکهای اکبر نبود. مستطیل شکل بود. هرچه نزدیکتر می شد، بهتر می توانست حروف روی بادبادک را بخواند. پشت بام دیگر خیلی کوچک شده بود، به اندازه کتاب فارسی کلاس پنجم دبستان.

- باز دفتر و کتابتان را گذاشتید زیر دست و پا؟!!

پسرهایش در قطه ای دور با هم کل گشتی می گرفتند و او تازه را آنها دیده بود.

- ذلیل مرده، برادرت را زن. مگر نیایم پایین!

این را گفت و با شتاب بیشتری شروع به جمع کردن طناب بادبادک کرد. وقتی بادبادک نزدیک شد، او به جای بادبادک، کوپن ۴۲۰ را در هوا دید. به اطراف نگاه کرد. چند پشت بام آن طرفتر زنی داشت یک قالی را که شسته بود، می چلانند تا روی طناب آویزان کند.

- ۴۲۰ گوشت است؟

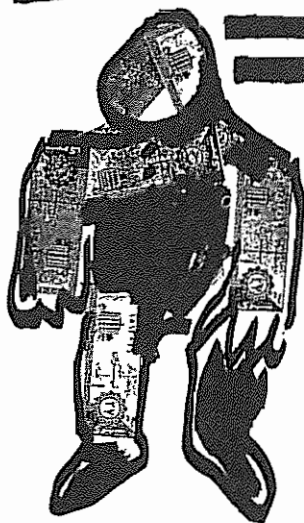
زن قالی را تکان داد تا روی بند پهن کند. آبش مثل باران به روی او پاشید.

- آره! اعتبارش تا امروز است.

در همین موقع لغزش چیز نرمی را روی ساق پایش احساس کرد. دم گربه ای بود. خواست جیغ بکشد، اما صدا از حلقومش بیرون نیامد. در همان حال خود را از پشت بام به زمین پرت کرد، اما به جای اینکه بیفتد، به هوا رفت. دستش به بند بادبادک بود و بادبادک او را به دنبال خودش می برد. در هوا معلق بود و نمی دانست چه کار کند. به پشت سر خود که نگاه کرد، دید گربه به

زن





انتهای صف رساند تا جا بگیرد. یکباره جنب و جوشی در صف به وجود آمد، فهمید که قصاب آمده، ولی هر کس که داخل قصابی می‌شد، با یک شقه بزرگ گوشت بیرون می‌آمد و از همان دم در شروع می‌کرد به خوردن گوشتها. جلو رفت تا به قصاب اعتراض کند. در قصابی، سوراخ باریکی بود که مردم از آن داخل می‌شدند. نفری را که می‌خواست داخل شود، بیرون کشید و خودش خزید داخل. قصاب مردی تنومندی بود که کله‌ای چون گربه داشت. لنگه دمپایش را درآورد و به قصاب حمله کرد.

- به هر نفر یک کوپن بیشتر نده!

قصاب مثل گربه جیغی کشید و پرید کنار و بعد رفت روی میز کارش و به زن حمله کرد. موهای او را از روی روسری گرفت و سرش را روی کنده قصابی یا یک ضربه ساتور از تن جدا کرد. سر را کنار سنگ ترازوها گذاشت و تن بی‌سر را مثل یک لاشه از پا به قلاب آویزان کرد. در همان حال رو به مردم کرد و گفت:

- با این لاشه، به همه گوشت می‌رسد!

بعد از آن رو به سر بریده زن کرد و قهقهه نحسی زد.

- تا تو باشی دیگر توی کار قصابی دخالت نکنی!

سر بریده حسابی کفرش درآمده بود.

- پیشته پدر سوخته! قصاب به عقب پرید، حیف که آقامان رفت

سر کار، والا می‌دام دمت را ببرد!

مشتریها می‌آمدند، یک دسته کوپن می‌دادند و یک عالمه گوشت می‌گرفتند و می‌رفتند. سر بریده فقط حرص می‌خورد.

- تو را به خدا نفری یک کوپن بیشتر نده! این جوروی به من

نمی‌رسد.

- تو جایت کجاست کله؟

- آخر صف.

- به تو می‌رسد!

مشتری بعد، زن مسنی بود. به محض اینکه وارد شد، رو به سر

بریده کرد و گفت:

- صورتتان خونی شده.

- تو را خدا من دست ندارم. خواهش می‌کنم شما پاکش

کنید.

زن صورت سر بریده را پاک کرد و با یک شقه بزرگ گوشت

دو بال شبیه بالهای خفاش، او را تعقیب می‌کند؛ فیس فیس می‌کند و مثل بچه‌ها جیغ می‌کشد.

خود را از بند بالا کشید تا از دست گربه نجات پیدا کند. زیر پایش پشت بامها بودند و کوچها. ناگهان در یکی از کوچها شوهرش را دید که به سر کار می‌رفت. دست به طرف او دراز کرد:
- اصغر!

شوهر نیم‌نگاهی به طرف او انداخت و سری برایش تکان داد و در همان حال که به راهش ادامه می‌داد، گفت:

- من امروز اضافه‌کارم. شب دیر می‌آیم خانه.

زن خواست فریاد بزند: «کوپن گوشت!»، اما صدا از گلویش بیرون نیامد.

قبل از اینکه او به بادبادک برسد، گربه پرید و کوپن را به دندان گرفت و فرار کرد و او از همان اوج آسمان به طرف زمین سقوط کرد. دلهره تمام وجودش را فرا گرفته بود. هر چه پایین می‌آمد، به زمین نمی‌رسید. در آخرین لحظات که دیگر داشت به زمین برخورد می‌کرد، ناگهان یک عالمه کوپن بر سرش ریخت و او در میان کوپنها به زمین رسید. وقتی از زیر خروارها کوپن سر بلند کرد، متوجه شد که درست روبه‌روی دکان قصابی است.

- ای گربه لعنتی، کوپن من را بردی؟

ناگهان متوجه شد که وسط یک عالمه کوپن است. هر کدام را که برمی‌داشت، کوپن چهارنفره شماره ۴۲۰ بود. از خوشحالی نمی‌دانست چه کار کند. زنبیلش را پر از کوپن کرد. خیلی زود تصمیم گرفت، یک دسته کوپن را در جیبش گذاشت و بقیه را میان مردم بُرد تا بفروشد.

- کوپن ۴۲۰، نفری ۲۰ تومان! از دلال نخر نفری ۸۰ تومان، من می‌دهم نفری ۲۰ تومان!

مردم به‌او هجوم آوردند. به زودی زنبیلش از کوپن خالی و از پول پُر شد. چقدر هم سنگین شده بود. وقتی راه می‌رفت، شانه‌هایش داشت از درد می‌ترکید. راه رفتن برایش دشوار شده بود. زانوهایش می‌خواست از کاسه بیرون بزنند.

نگران، نگاهی به داخل قصابی انداخت. قصاب هنوز نیامده بود، ولی دیوارهای قصابی پر بود از لاشه‌های بزرگ گوشت با کله‌های عجیب و یک نفر داشت به صف نزدیک می‌شد که او خود را به